



زل حرط
بسم الله
والله اعلم

در سرهای الغ و فرشاخ رار





شروع کن
قصه‌های زندگیت رو بنویس
و برای بقیه بخون، آخه کلی نوجوون
منتظرن تا زودتر نویسنده بشی، منم
منتظرتم.

اگه می‌خواهی مدیر
هنری خوبی باشی و
کتاب‌ها رو خوشگل‌تر
کنی، باید خوب فکر کنی
و عاشق کارت باشی.

منم
اولش تصویر هر کسی
رو می‌کشیدم، یک‌ماه باهام
حرف نمی‌زد. تو هم می‌تونی
دست به کار بشی؛ اما از تصویر
خودت شروع کن!

سلام _____ جان
خوندن کتاب های باحال،
خیلی حالخوب رو خوب می کنه.
ایده دارم حالت همیشه خوب باشه

احسان





سَلام

ما چند تا پدر و مادریم که بچه‌هامون دارن هر روز بزرگ و بزرگ‌تر می‌شن و مثل شما دوستای گلمون کتابخوندن رو خیلی خیلی دوست دارن. خیلی گشتیم تا کتاب‌هایی براشون پیدا کنیم که:

۱. قصه‌ها و ماجراهایش ایرانی و یه جورایی داستان زندگی خود ما باشه و با فرهنگ و تربیت ما بخونه و دوستش داشته باشیم.

۲. متنی قوی و جذاب داشته باشه که پراز شوخی‌های خوشمزه و داستان‌های شیرین باشه تا لذت مطالعه رو چند برابر کنه.

۳. نویسنده و تصویرگر و طراح و همه تولیدکنندگاناش، آدمای باحال و حرفه‌ای باشن.

۴. برای تولید اون اثر وقت کافی گذاشته باشن و مطالعه و مشورت کرده باشن تا کتابی با متنی قوی و شکلی جذاب و خوش دست و خوشگِل تولید بشه.

۵. بعد از تولید اولیه کتاب، از آدم حسابی‌های اون رشته و از همه مهم‌تر از



خود بچه‌ها نظرسنجی کرده و کتاب رو چندین بار قبل از چاپ اصلاح کنند. و دقت‌های دیگه که انتخاب رو برای ما مشکل می‌کرد. اگه بی‌انصافی نکنیم باید بگیم کتاب‌هایی وجود داشت که بعضی از این ویژگی‌ها رو داشته باشه؛ اما متأسفانه خیلی کم بودن، پس به عشق شما بچه‌های گلگون آستین بالا زدیم و برای شما نازنین‌ها بخش کتاب‌های کودک و نوجوان مهرستان رو در مرکز احیاء اندیشه و سیرۀ علوی راه‌اندازی کردیم.

خدای مهربونی که شما مهربون‌ها رو به ما امانت داده، می‌دونه که ما به عشق شماها در این راه پا گذاشتیم و بی‌صبرانه منتظریم تا کارهای ما رو بخونید، قضاوت کنید و نظراتتون رو از طریق www.mehrestan.ir برامون بفرستید. مطمئن باشید که با بیشترین تلاش سعی می‌کنیم خودمون رو اصلاح کنیم.



مهرستان

اینجا خانه شماست

یه مدیر مدرسه کاربلد که...



یه داداش
خیال پرداز که...

و دوباره من
و کلی ماجراهای
هیجان انگیز

یه دوست واقعی که...

یه گروه از
همکلاسی‌ها که...

یه غول ریاضی که...

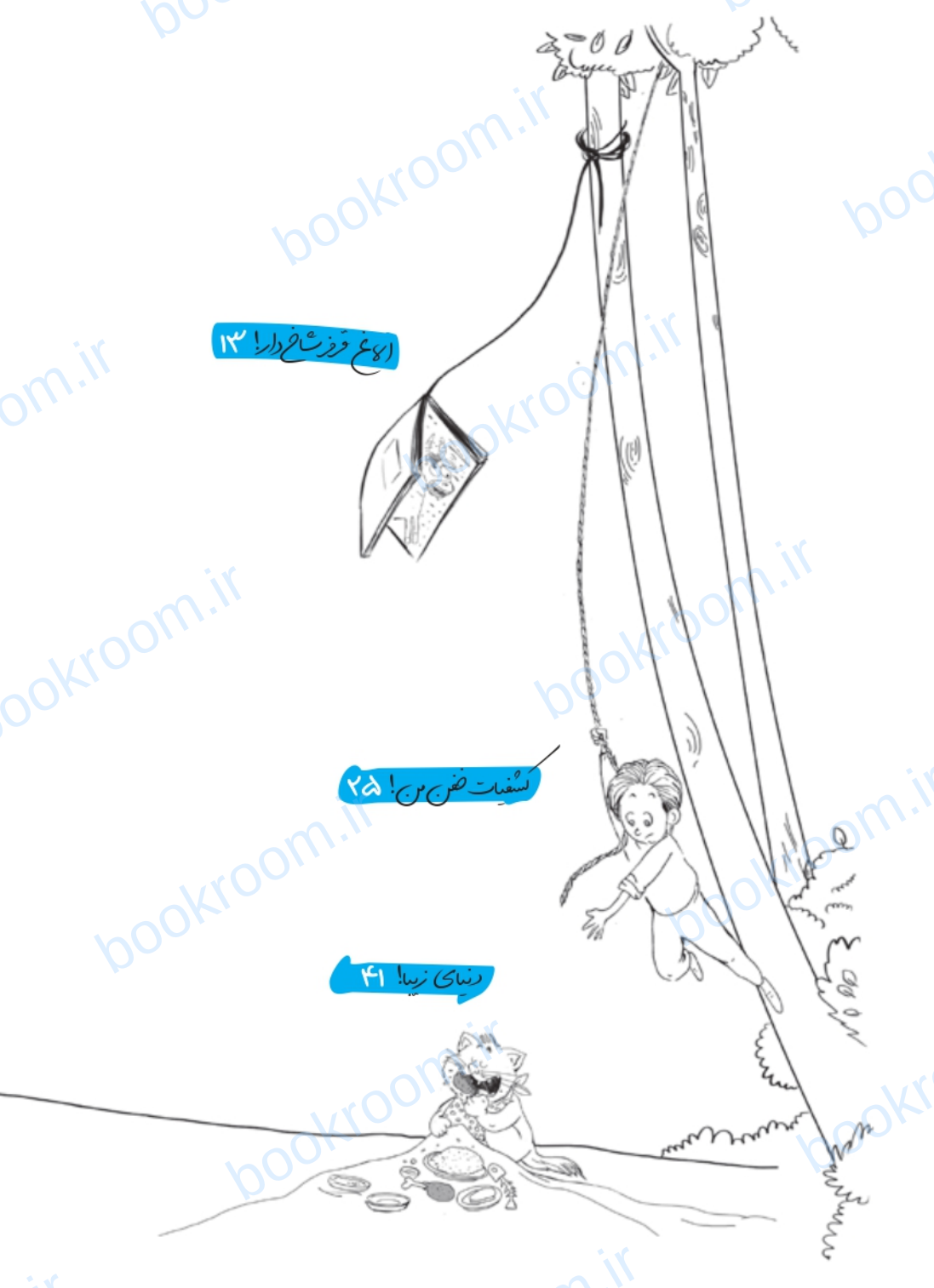


یه الاغ قرمز شاخ‌دار که...

۱۳! اداغ قوزش فرار!

۲۵! کسبیت خن من!

۴۱! دنیای زیبا!





۵۳
چرخ و گداز

۶۳
رستخیز در خانه!

۷۷
اردو

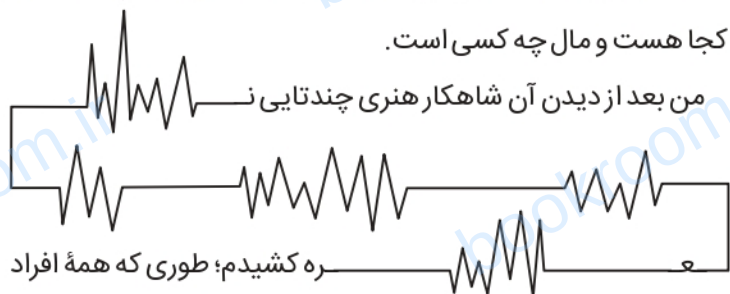




باید پسری یازده ساله باشی و یک خواهر بزرگ تر غرغروی کنکوری داشته باشی و خواهر و برادری کوچک تر که هر روز کل وسایلت را وسط اتاق بریزند و روی آن رژه بروند و هزاران بلای کوچک و بزرگ سرشان بیاورند تا حال من را بفهمی.

الان وسط دفتر مشقم، روی همان کاغذی که زیباترین مشق عمرم را نوشته ام و با سلیقه خط کشی اش کردم تا مثلاً فردا از خانم معلم نکته سنج و سخت گیرم، یعنی همان خاله پروانه نازنین، صد آفرینی شیک و خوش رنگ بگیرم، چیزی دیدم که نزدیک بود سخته کنم. یک نفر به من بگوید آخر این الاغ کج و کوله قرمز، آن هم از نوع شاخ دارش وسط دفتر مشق من، روی نوشته های نازنین من چه کار می کند؟!

الاغ شاخ دار قرمز، تنها موجودی است که تا الان در هیچ کجای دنیا، در هیچ منطقه آب و هوایی، در هیچ جنگلی، در هیچ بیشه‌ای دیده نشده؛ اما از بخت بد من الان وسط دفتر مشقم مشغول خوش گذرانی و آواز خوانی است. دلیل آن هم این است که خواهر هنرمند کوچولویی دارم که تا دیروز روی دیوارها نقاشی می‌کشید؛ ولی الان پیشرفت کرده است و روی کاغذ نقاشی می‌کشد؛ حالا بماند که آن کاغذ چه هست و کجا هست و مال چه کسی است.



حاضر در محل کاملاً ناپدید شدند، به جز همان الاغ قرمز شاخ دار که داشت با آن چشم‌های تابه‌تا و قرمزش، متعجب به من نگاه می‌کرد و حتماً از خودش می‌پرسید:

«این پسر عجیب با این قیافه مسخره
و این صدای نخراشیده کیه؟ اینجا
چیکار داره؟ چی شده که داره عربده
می‌کشه؟ چرا قیافه‌ش این طوریه؟»

و من ...

هرچه بیشتر به آن الاغ قرمز شاخ دار نگاه می کردم، بیشتر
صدایم را بالا می بردم.

